

دکتر رابرت یاربرو، نامه های کشیشی، جلسه یازدهم،

۲ تیموتائوس ۴

© ۲۰۲۴ رابرت یاربرو و تد هیلدبرانت

این دکتر رابرت دبلیو. یاربرو است در درس خود درباره نامه های شبان، آموزش رسولی برای رهبران شبانی و پیروانشان، جلسه ۱۱، ۲ تیموتائوس ۴.

مطالعه ما بر نامه های شبانی ادامه دارد و هر روز عمیق تر به اول تیموتائوس، دوم تیموتائوس، تیتوس، کورپوس می پردازیم. ما اکنون در دوم تیموتائوس ۴ هستیم و می خواهیم شروعی سریع داشته باشیم چون این در وسط حمله نهایی به تیموتائوس است، آخرین حمله به تیموتائوس در ۲ تیموتائوس طبق عناوین NIV. آخرین حمله از ۳۱۰ شروع می شود و سپس به فصل ۴ آیه ۸ می رود که در آن زمان نظرات شخصی و سپس سلام نهایی را دریافت می کنیم.

و پیش از این، در سال دوم تیموتائوس، پس از سلام اولیه اش، روز شکرگزاری داریم و فراخوانی برای وفاداری به پولس در انجیل داریم. ما نمونه هایی از بی وفایی و وفاداری، تجدید درخواست و سپس بخشی طولانی درباره معلمان دروغین داریم. پس، ما پژواک های زیادی از الگوها، زبان ها و مسائلی که اول تیموتائوس را مشخص می کند دیده ایم، اما تفاوت اصلی این است که در دوم تیموتائوس پولس می داند که خیلی به مرگ نزدیک تر است. بنابراین، ممکن است در ۲ تیموتائوس کمی احساس بیشتری وجود داشته باشد، فقط به این دلیل که پولس احساس می کند از صحنه می رود. من آن را ناامیدی نمی نامم، فکر نمی کنم او ناامید باشد، اما فکر می کنم نگران است که تیموتائوس به اندازه ای که فیض می تواند او را قوی کند، برای گذار که وقتی پولس به حضور خدا ارتقا یابد اتفاق می افتد و به ویژه چون همان طور که در بخش قبلی دوم تیموتائوس گفته است، همه در آسیا مرا ترک کرده اند. و بنابراین، همان طور که مخالفت با تیموتائوس در خدمت انجیلش وجود دارد، در حال فروپاشی است. نوعی جدایی از افرادی رخ داده که پولس از آن آگاه است و این یادآور این است که در طول تاریخ کلیسا، در کلیسا در حال چرخش بوده و افرادی وارد می شوند و می مانند و سپس کسانی وارد می شوند و دوباره خارج می شوند. این بخشی از واقع گرایی خدمت است که در نامه های کشیشی بازتاب یافته است.

پس، در دوم تیموتائوس ۴، ادامه این حمله نهایی، با این اعلامیه غمگین به تیموتائوس شروع می کنیم که بلافاصله به برخی دستورات منتهی می شود و فقط یادآوری می کنیم که زرد روی صفحه کلمات خدا، عناوین، نام های خاص، خدا، مسیح، عیسی، خداوند و سرخ ها الزامات خواهند بود. در حضور خدا و عیسی مسیح که زندگان و مردگان را داوری خواهد کرد و با توجه به ظهور او، این بازگشت اوست، و پادشاهی او که سلطنت کنونی او و همچنین سلطنت ابدی او خواهد بود که هنگام بازگشت، جهشی به جلو خواهد گرفت. این اتهام رو بهت می دم.

و چند بار در دوم تیموتائوس و اکنون ۱ تیموتائوس این کلمه و این واژه را شنیده ایم؟ خب، به اتفاق دیگه ست و این هم اتهام. کلمه را موعظه کن و بعد او آن را تجزیه و تحلیل می کند. آماده باشید، آماده باشید، چه در فصل و چه خارج از فصل.

زمان هایی مثل هفته مقدس یا آدونت وجود دارد، انتظار می رود که زیاد موعظه کنیم. اما زمان های دیگری هم هست که این کار چندان مناسب به نظر نمی رسد. شاید این موضوع پذیرفته نمی شود، شاید موقعیتی است که می توانیم بپرسیم آیا واقعا باید در این شرایط نامطلوب یا بی تفاوت شاهد باشیم.

و او می گوید، هر جا که فرصت شهادت دادن به مسیح را با استفاده از هدایایی که خدا به تو داده و دعوتی که به تو داده، پیدا کردی، آماده باش، اصلاح کن، سرزنش کن و تشویق کن. حالا، او این را به ویژه به عنوان یک کشیش، با صبر و آموزش دقیق به او می گوید. پس می توانید ببینید که در این توصیه ها می توانید آن دو قطب رهبری کشیشی را ببینید که من مدام به آن ها اشاره می کنم و فکر می کنم بسیار مهم هستند.

آموزش و نظارت، اصلاح، سرزنش، تشویق با صبر. این یعنی تعامل شخصی.

شما فقط به مردم موعظه نمی کنید، بلکه در موقعیتی هستید که در طول زمان از پیشرفت مردم آگاه باشید و روابطی با آن ها برقرار کنید تا به طور مستقیم یا غیرمستقیم، مطمئن باشید که مردم تشویق به رشد می شوند. اگر جماعت بسیار بزرگی دارید، نمی توانید همه را به یک شکل تشویق کنید، اما با مدیریت دقیق، می توانید مطمئن شوید که از طریق واگذاری به زنان خداپرست، زنان دیگر و فرزندان شان، و واگذاری از طریق مردان، به مردانی که شاید به این راحتی نتوانید به آن ها برسید. اما ممکن است مردانی داشته باشید که بتوانند، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، با صبر فراوان و آموزش دقیق، بتوانند خادمی باشند که به آن ها خدمت می کند تا از طریق آن کلام. البته این کلام خداست، سپس آن ها توسط خدا اصلاح و سرزنش و تشویق می شوند، چون این کلام اوست و روح القدس کلام را می دهد و از طریق کلام عمل می کند. حالا چرا او آن ها را تشویق می کند؟ چرا اینقدر جدی به او توصیه می کند؟ در حضور خدا در مسیح عیسی و داوری زندگان و مردگان، چرا، چرا اهمیت موضوع اینقدر بالاست؟ خب، او به ماهیت زمانه ای که در آن زندگی می کنیم بازمی گردد.

زمانی خواهد رسید که مردم آموزه های صحیح را تحمل نکنند. شاید فقط از بعضی مشاهداتش درباره سقوط آدم ها نقشه می کشد. او در دهه های ۲۰، ۳۰، ۴۰ و ۵۰ خدمت کرده و حالا در دهه ۶۰ است و شاید فکر می کرد که انجیل در سراسر جهان روم گسترش خواهد یافت، سپس همه به مسیح خواهند رسید.

یعنی، خدا در اصل می تواند این کار را بکند، اما چیزی که او می بیند این است که مقاومت وجود داشته و حتی بازگشت به اعتیاد رخ داده. بنابراین، او می گوید، مردم با آموزش یا آموزه های صحیح کنار نمی آیند. در عوض، برای برآورده کردن خواسته های خودشان، تعداد زیادی معلم را دور خود جمع می کنند تا آنچه گوش هایشان می خواهد بشنود را بیان کنند.

و این بسیار پیشگویانه دنیای امروز ماست، جایی که وقتی سفر می کنیم، کلیسای واقعی اغلب با گروه هایی که خود را کلیسا می نامند رقابت می کند، و آن ها لزوما آموزه های تثلیثی یا ارائه انجیل مسیح را آموزش نمی دهند، و ممکن است در مورد کارهایی که مردم را به انجام آن فرا می خوانند، سردرگم باشند. یا ممکن است سلامت و ثروت باشد، یا ممکن است سیاسی باشد، یا ممکن است به نوعی فاسد باشد. ممکن است فقط حفظ مجموعه ای از قوانین باشد و چیزی باشد که بیشتر به غرور کشیش دامن می زند تا چیز دیگر. اما این چیزی است که مردم ممکن است از آن راضی باشند.

آن ها گوش هایشان را از حقیقت برمی گردانند و به افسانه ها روی می آورند. اما تو، در همه موقعیت ها آرامش خود را حفظ کن. سختی ها را تحمل کن.

انجام کار یک مبلغ تقریباً به زبان انگلیسی شبیه انجام کاری غیر از کشیشی است. اما فکر می کنم آنچه او اینجا می گوید این نیست که حتما بیرون بروید و جلسات تبلیغی را موعظه کنید. فکر می کنم او می گوید که وظیفه کشیشی در اصل، گسترش مداوم خبر خوش انجیل است.

و می توانید آن را در برنامه های مختلف مستقر کنید. ممکن است مربوط به ازدواج باشد، یا کار، یا نجات واقعی، یا تربیت فرزند. اما هر کاری که انجام می دهی، پیام آور خبر خوش مسیح هستی.

ما پیام اساسی مسیح خداوند، الوهیت، مصلوب شدنش، عروج او، رستاخیز و شفاعت مستمرش برای ما را فراموش نمی کنیم. کار پخش خبر خوب را انجام دهید. تمام وظایف وزارت خود را انجام دهید.

نگو که من آدم جزئیات نیستم و بعد خیلی از چیزهایی که واقعا مسئولیت توست را نادیده بگیر. مطمئن شوید که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، همه چیزها، همه دیاکونیها، وزارت هایی که خدا شما را برای مسئولیتشان فراخوانده، مطمئن شوید که به آن دعوت و وظایف عدالت می دهید. حالا، چرا بل باید همه این ها را این قدر کامل و دراماتیک بیان کند؟ و او همین کار را در طول دومین تیموتی انجام داده است.

و دلیلش این است. چون من همین حالا مثل نوشیدنی بیرون ریخته می شوم. و در ادیان بت پرستی، می توانستی یک نوشیدنی بریزی، همان طور که به آن می گفتند.

شراب را روی سنگ یا داخل فنجان یا چیزی بریزید. و تصویر، فداکاری جان و رفاه شماسست. مثل نوشیدنی ای که می خورم بیرون ریخته می شوم و زمان رفتنم نزدیک است.

حالا دارد صریح حرف می زند. احساس می کنم دارم می میرم. من مبارزه خوب را انجام داده ام.

مسابقه رو تموم کردم. ایمانم را حفظ کرده ام. اکنون تاج عدالت برای من آماده است که خداوند، قاضی عادل، در آن روز به من خواهد داد.

و نه فقط برای من، بلکه برای همه کسانی که آرزوی ظهور او را داشتند. پس همان طور که قدیسان عهد عتیق منتظر ظهور مسیح بودند، فکر می کردند وقتی او بیاید، عصر آینده فرا خواهد رسید. و واقعا رسید.

و به ویژه، با رستاخیز عیسی، این اتفاق افتاد. اما چیزی که آن ها ندیدند این بود که بین بازگشت اول و عروج مسیح به دست راست خدا و بازگشت دوم یک دوره موقت وجود خواهد داشت تا سرانجام سلطنت ابدی او برقرار شود. و او مشتاق تحقق وعده مسیحایی است که ابتدا در مرگ و رستاخیز عیسی تحقق یافت.

و این کافی است و این برای نجات همه قدیسان از آدم و حوا تا نجات آخرین نفر مرکزی است. مرگ و رستاخیز مسیح. این نقطه مرکزی کار نجات بخش خداوند در کیهان است.

اما هنوز از نظر ورود کامل عصر آینده، دریافت بدن های جلال یافته مردم خدا و هر شکلی که عصر آینده داشته باشد، کامل نشده است. و بحث های زیادی وجود دارد. آیا قرار است روی این دنیا باشد، زمین؟ آیا قرار است در دنیایی دگرگون شده باشد؟ آیا قرار است در قلمرویی متعالی باشد که واقعا نمی توانیم تصورش را بکنیم؟ آیا اصلا قرار است یک قلمرو باشد؟ آیا قرار است نوعی چشم انداز ستایش شده از خدا باشد که در آن خدا را برای همیشه خواهیم دید، و باشکوه، شاد، شخصی و جمعی خواهد بود و کمالی فراتر از تصور خواهد بود.

کتاب هایی درباره این دیدگاه های مختلف درباره عصر آینده نوشته شده است، اما پاداش عصر آینده برای کسانی است که آرزوی ظهور او را داشته اند و زندگی خود را مطابق با آن آرزو می کنند. کتاب مقدس به ما می آموزد که خدا را دوست داشته باشیم، اما یکی از چیزهایی که محبت خدا مدام بر آن تأکید می کند این

است که هنوز خدا را به طور کامل نداریم. بخشی از عشق ما یک طرفه است، نه اینکه بازگردانده نشود، بلکه برآورده نشده چون هنوز مالکیت کامل معشوق مان را نداریم.

و معشوق ما، در حالی که او کاملاً ما را در اختیار دارد و ما را به سمت آن می کشد، هنوز به آن نقطه مقصد نرسیده ایم. پس این توضیح می دهد که احساسات نصیحت پولس چیست، اینکه او می تواند لبه، نور انتهای تونل، نور ابدیت را ببیند. ما در اینجا دعوت والای تیموتائوس را می بینیم، اولین دعوت تیموتائوس ۱۲:۲، دو قطب خدمت کشیشی، آموزش، آموزش و نظارت شبانی برای تشویق. و من به این موضوع اشاره کرده ام.

ثانیا، می بینیم که مخالفت با خدمت وفادارانه قابل انتظار است. این در ۴:۳ برمی گردد. زمانی خواهد رسید که مردم دیگر تحمل نکنند، گوش هایشان را برگردانند و ترجیح دهند دروغ بشنوند تا حقیقت.

با این حال، فیض انجیل امکان تحقق آموزش رسولی را فراهم می کند. فیض خدا در انجیلی که تیموتائوس دریافت می کند، به او امکان می دهد در همه موقعیت ها آرامش خود را حفظ کند، گیج نشود، دلسرد نشود، در مسیر اشتباه گرفتار نشود، بلکه استوار بماند تا بتواند تحمل کند، تا پیام آور خبر خوش باشد و بتواند تمام وظایفی را که وظیفه کشیشی خاص خود بر عهده دارد، انجام دهد. سپس NIV در اینجا وقفه ای می بیند و به اظهارات شخصی می پردازد.

حرف هایی که همین الان شنیدیم برای من خیلی شخصی به نظر می رسند، اما این ها حتی شخصی تر برای تیموتائوس هستند و کمتر به خدمت انجیل او مربوط می شوند. اغلب وقتی مردان به خدمت انجیل منصوب می شوند، مأموریتی دریافت می کنند که به آن می گویند، و کسی موعظه می کند یا کسی در مناسبت دعوت به آن ها به او توصیه می کند که چالشی را که پذیرفته اند علامت بزند و آن ها را زیر این دعوت انجیل که به آن پاسخ داده اند قرار دهند. و حدس می زنم احتمالاً ۲ تیموتائوس ۴ آیه ۲ آیه ای است که بیشترین استفاده را در موعظه های کشیشی دارد.

کلام را موعظه کنید، در فصل و خارج از فصل آماده باشید و همین طور ادامه دارد. وقتی می شنوم که مراسم انتصاب برگزار می شود، انتظار دارم موعظه ای درباره آن آیه بشنوم. پس این بخشی از این انتقال کلی آخرین حمله به تیموتائوس است.

این همان شارژ درون شارژ است. اما حالا از یک اتهام صریح به تیموتائوس در خصوص موعظه کلام خارج می شویم. حالا او درباره زندگی تیموتی و حرکات او در رابطه با دوستی اش با پل صحبت می کند.

تمام تلاشت را بکن، این کلمه هم قابل ترجمه است، مشتاق باش، هیچ زحمتی را دریغ نکن و تمام تلاشت را بکن که سریع پیش من بیایی. فکر می کنم او در رم است، هر جا که تیموتی باشد، باید آنجا باشد. برای دماس، که حتماً آنجا به پل کمک می کرد، او این دنیا را دوست داشت و مرا ترک کرده و به تسالونیک رفته است.

جزئیات بیشتری نمی دانیم، فقط می دانیم که او با خدمت انجیل موافق بود و حالا به تسالونیک رفته است. ما نمی دانیم این برای فروش بیمه است یا املاک اگر او مرتد شده باشد، و فروش بیمه یا املاک ایرادی ندارد، فقط گاهی اوقات مردم وقتی تصمیم می گیرند وزارت را ترک کنند، به آنجا می روند. ما نمی دانیم چرا دماس پل را ترک کرده.

قطعا چیز خوبی نیست، اما جزئیاتش را نمی دانیم. کرسنس به گالاتیا رفته و تیتوس به دالماسی. و این فقط نشان می دهد که توزیع کارهای رسولی که پولس هنوز با آن مرتبط بود، همچنان به تشویق و اجرای گسترش انجیل در جهان روم کمک می کرد.

پس، در حالی که کسی او را ترک کرده بود، چند نفر او را ترک کرده بودند و تیموتی با مخالفت روبرو بود، اینطور نبود که بگوید خب، انجیل همه جا فروپاشیده است. می بیند که هنوز خاموش می شود، فقط بدون مالش یا اصطکاک خاموش نمی شود. فقط لوک با من است.

این لوقا پزشکی است که انجیل لوقا را نوشت و کتاب اعمال رسولان را نوشت. مارک را بیاور و با خودت بیاور، چون او در خدمت من به من کمک می کند. و بسیاری از مفسران خواهند گفت که این جان مرقس است که در اولین سفر تبلیغی پولس و برنابا را ترک کرد، و سپس وقتی پولس و برنابا سفر مبلغی دوم را آغاز کردند، برنابا گفت: خب، من می خواهم مرقس را با خود ببرم و مرقس پسرعموی برنابا بود.

و پل گفت، خب، روی جنازه من، نمی خوام ببرمش چون نمی تونی بهش اعتماد کنی. و به نظر می رسد برناباس عصبانی شد و گفت، خب، من با تو نمی آیم. و بنابراین، برنابا یوحنا مرقس را برد و آن ها به یک سمت رفتند، و پولس سیلاس و تیموتائوس را به راه دیگری برد.

و ممکن است فکر کنی، خب، این وحشتناک است. در کلیسای اولیه شکافی رخ داد. فکر می کنم بیشتر یک تعارض شخصیتی بود که خدا برای جلال خود استفاده کرد، چون در نهایت بین این دو طرف آشتی رخ داد.

و اینجا می بینیم که در پایان عمر پولس، یوحنا مرقس در خدمت پولس است. و بنابراین آن ها بازسازی شده اند. من تیخیکوس را به افسوس فرستادم.

وقتی آمدی، شنلی را که با کارپوس در تروآس گذاشتم و طومارهایم، به ویژه کاغذها، بیاور. و حدس و گمان بی پایان است، مثل اینکه خار گوشت پولس چه بود؟ ده ها نظریه وجود دارد. حدس و گمان بی پایان درباره اینکه طومارها و کاغذها چه بودند.

ما نمی دانیم آن ها چه بودند. شاید آن ها طومارهای کتاب مقدس بودند. شاید آن ها عهد عتیق بودند.

شاید آن ها عهد جدید بودند. اجازه می دهم درباره اش حدس بزنید. اما چیزی که برای من جالب است این است که در صف اعدام، پل هنوز می خواهد کتاب بخواند.

او می خواهد یاد بگیرد. او می خواهد در آن خدمت کلام که از کودکی بخشی از زندگی اش بوده، مفید باشد. از آنجا که زبان اعمال رسولان ۳:۲۲ این است که او در اورشلیم بزرگ شد و شاگرد معلم ربانی آن زمان، گمالیئل، بود.

و بنابراین، او آموزش های بسیار پیشرفته خاخامی دریافت کرد. او به وضوح با استعداد بود. و در پایان عمرش می توانست بگوید: من پیر شده ام، خسته ام، مردم مرا ترک کرده اند، ناامید شده ام، خدا کجاست، تسلیم می شوم، سزاوار یک استراحت هستم.

هیچ کدام از این ها نبود. او با چکمه هایش خواهد مرد. و این برای کسی مثل من که در گذشته زندگی است، دلگرم کننده است.

فقط تشویقی است که خدا در زندگی دیرهنگام با ما تمام نمی شود. و تا زمانی که بتوانیم دعا کنیم، می توانیم با خدا ارتباط برقرار کنیم و ابزار فیض در پادشاهی خدا باشیم. و پولس اصلاً فقط قادر به دعا کردن نیست.

او هنوز می تواند بخواند و بنویسد، هنوز می تواند دیکته کند، هنوز می تواند رشد کند. و این نمونه ای عالی از وفاداری تا پایان است. الکساندر فلزکار آسیب زیادی به من زد.

خداوند به خاطر آنچه کرده جبران خواهد کرد. تو هم باید مراقب او باشی چون او به شدت با پیام ما مخالفت کرد. آیا این همان اسکندر اول تیموتی اول است؟ ما نمی دانیم.

اما چیزی که می دانیم این است که پل به تیموتی می گوید مراقب باشد، مراقب باشد، اما نمی گوید انتقام بگیر. او به تیموتی مشاوره نمی دهد که چگونه آتش را با آتش بجنگد یا بدی را جبران کند. او بسیار ثابت قدم است، همه چیز را به دست خدا بسپارید، نگذارید از شما سوءاستفاده کند، اما اگر نیاز به انتقام دارید، بگذارید خدا انتقام بگیرد.

در برخی موقعیت ها باید آن ها را به دست خدا بسپاریم. در اولین دفاعم، هیچ به حمایت من نیامد. ظاهراً او در دادگاه رم جلسه دادرسی داشته و همه او را ترک کرده اند.

آیا لوک هم او را ترک کرد؟ نمی دانم. شاید او حرف می زند، همه کسانی که فکر می کردم به حمایت می آیند این کار را نکردند. و فقط من و لوک بودیم.

ما نمی دانیم. اما به این نگرش توجه کنید که دقیقاً شبیه عیسی بر صلیب است. پدر، آن ها را ببخش، آن ها می دانند چه می کنند.

پولس می گوید که این موضوع علیه آن ها استفاده نشود. این بسیار بزرگوارانه و دقیق است چون در مورد اسکندر فلزکار، او را تحویل می دهد و می گوید خداوند به او پاداش خواهد داد. اما اینجا نمی گوید خداوند به این مردم جبران خواهد کرد.

فکر می کنم ضعف جسم را درک می کند. حتی ممکن است به خیانت عیسی و محاکمه عیسی و فرار همه شاگردان فکر کند. و دلایل این نبود که آدم های بدی بودند.

آن ها آدم های ضعیف و گناهکاری بودند که در آن موقعیت واقعاً درست نمی دیدند. و عیسی آن ها را بخشید و بعدها آن ها را به رفاقت کامل بازگرداند. خب، پل اینجا مثل مسیح رفتار می کند و از اینکه در این دادگاه کمی بی تفاوت مانده بود، ناراحت نمی شود.

دلیل اینکه او می توانست بخشنده باشد این است که آیه ۱۷، خداوند در کنارم ایستاد و به من نیرو داد. نمی دانم آیا تا به حال از طرف خداوند دیدار داشته اید یا نه، اما بسیاری از ما داشته ایم. فصل هایی از زندگی مان یا دوره هایی از زندگی مان که حضور ملموس خدا را حس می کردیم که ما را هدایت می کند یا تشویق می کند یا بازسازی می کند.

و این همان چیزی است که پولس اینجا توصیف می کند. تا از طریق من پیام به طور کامل اعلام شود و همه غیر یهودیان آن را بشنوند. تصویر این است که پل محاکمه می شود و آن ها می گویند، خب، این اتهامات وجود دارد، نظرت چیست؟ و پل، در آن موقعیت، می گفت، خب، به همین دلیل من اینجا هستم.

من اینجا هستم به خاطر عیسی که فکر می کنم مسیح است. و او یک نسل پیش در اورشلیم مرد، سی سال پیش، سی و سه سال پیش، هرچه که باشد. و او از مردگان برخاست و خداوند همه است.

و او همه مردم را فرا می خواند که به او پناه ببرند و نجات یابند. اوه، خب، این با اتهامات علیه تو سازگار است. و بعد ممکن بود دادستانی آنجا باشد و حتی اتهامات را بزرگ نمایی کند و اتهامات بیشتری مطرح کند.

و بعد پل، حدس می زنم، خودش بود، خودش دفاع می کرد. اما در آن جلسه، او محکوم نشد. و می بینیم که انتظار داشت توسط شیرها خورده شود.

سنت این است که او گردن زده شده است. و اگر گردنش بریده می شد، واقعا افتخار بزرگی بود. زیرا گردن زدن روشی بود که شهروندان رومی اعدام می شدند.

بدترین اعدام در امپراتوری روم، مصلوب شدن بود. اما رومیان نجیب زاده باید کشته می شدند و افراد بسیار خوبی کشته شدند چون سزار اغلب بسیار فاسد بود. و او فقط مردم را می کشت چون احساس تهدید می کرد یا دوستشان نداشت.

یعنی، نرو انواع آدم ها رو به روش های شرافتمندانه و بی شرافت کشت. اما این راهی شرافتمندانه برای مردن بود. در این مرحله، پل انتظار مرگ شرافتمندانه ای را ندارد.

پرتاب شدن به سمت شیرها به این معنا نبود که، اوه، این راه خوبی برای مردن است. این یه جورایی روش سختیه برای مردن. اما او برای آن آماده بود و از آن در امان ماند.

و به چیزهای بهتری در پیش رو اعتماد دارد. خداوند مرا از هر حمله شیطانی، هر شکلی که باشد، نجات خواهد داد. خداوند مرا نجات خواهد داد و مرا سالم به پادشاهی آسمانی خود خواهد برد. جلال برای او تا ابد و همیشه. آمین.

پس او خدا را متهم نمی کند.

او ناامید نیست. خدا هیچ جا نیست. او به رهایی خدا اطمینان دارد، حتی اگر بدنش واگذار شود.

در این بخش، می بینیم که پولس آرامش و نیاز به همراهی انسانی را می دانست. او می گوید، تیموتائوس، سریع بیا پیش من. این را بیاور، آن را بیاور.

ما به دوست نیاز داریم. ما به آدم های دیگه نیاز داریم. و این چیز بدی نیست.

عیسی دقیقا همین طور بود. او ۷۰ را داشت، ۱۲ را داشت، ۳ را داشت. و در شبی که به او خیانت شد، وقتی به جتسیمانی رفت، سه نفر را با خود برد. او پیتر، جیمز و جان را با خود در فاصله ای دور از دیگران برد.

و او گفت، تماشا کن و با من دعا کن. آن ها خوابشان برد. باید تنها می رفت.

تنها عیسی بود که دوازده نفر و کلیسا را نجات داد. این عیسی نبود، به علاوه یک قهرمان که به او کمک کرد. اما می بینیم حتی پسر خدا هم آرزوی آرامش همراهی انسانی را داشت.

و این یکی از مهم ترین بخش های انجیل این است که همراهانی داریم که برای ما دعا می کنند. و در این عصر، شاید به هم ایمیل بزنیم. و ما کنار هم زندگی می کنیم.

و گاهی قاره ها ما را از هم جدا می کنند. گاهی هم در یک اتاق هستیم. و ما در یک تیم خدمت می کنیم.

اما این همان چیزی است که پولس از آیه ۹ به بعد، با همه این نام ها و مکان ها و جنبش ها، و به ویژه رابطه اش با تیموتائوس، همراهی انسانی، بازتاب می دهد. همچنین، واقعیت خیانت. یهودا به عیسی خیانت کرد.

دماس به پل خیانت کرد. این می تواند شوک آور باشد. این می تواند یک عقب گرد باشد.

اما هرچه بزرگ تر می شویم، همیشه به نوعی تلخ و ناراحت کننده است وقتی مردم از هم دور می شوند. اما این اتفاق می افتد. وزارت هم دشمنان و هم دوستان تولید می کند.

آیات ۱۴ و ۱۵. اسکندر آسیب زیادی به من زد. این نشان می دهد که پولس تا حدی به اسکندر وابسته بوده و به اسکندر اعتماد داشته است.

آن ها ارتباطی مرتبط با خدمت رسولی پولس داشتند. و چه اتفاق افتاد؟ الکساندر به نوعی علیه او شد. و پولس فیض دارد که آن را به دست خدا بسپارد.

در نهایت، خداوند آرامش و دیدگاه را در زندگی و مرگ عطا می کند. این آیات ۱۶ تا ۱۸ است. او در موقعیت مرگ و زندگی قرار دارد.

این آیات پر از رؤیایی آسمانی است که هیچ چیز را تا دندان شیر انکار نمی کند. اما این یک چشم انداز رهایی است تا در نهایت پولس غر نزند. او ناامید نیست.

او متهم نمی کند. اما در آن موقعیت، جلال را به خدا نسبت می دهد. او به همان روشی که زندگی می کرد دارد می میرد.

عبرانیان درباره آموزش حواس مردم برای تشخیص خوب و بد صحبت می کند. و پولس زندگی ای داشت که در آن آموزش دیده بود بداند چه چیزی درست است، چه چیزی خدایی است، چه چیزی خوب است و چه چیزی سازنده نیست. و با وفاداری روز به روز در چیزهای کوچک، وقتی به موضوع بزرگ در پایان می رسد، آن رودخانه ای که همه ما باید از آن عبور کنیم، او شتاب دارد و عادت های شخصیت و وفاداری دارد تا هنوز حقیقت رهایی خدا را ببیند.

و حدس می زنم که آن بلوک خردکن یا کولوسئوم و شیرها، اگر آنجا بنشینم و در زندان باشم و فکر کنی، آیا ضربه بعدی به در برای من خواهد بود، خیلی بزرگ به نظر برسد؟ یعنی باید به این چیزها فکر کنی. اما او، وقتی این نامه را دیکته می کند، احتمالاً به لوک، به خدا فکر می کند. او پر از این رؤیا برای خداست.

اراستوس که به خاطر طمع برای سیلا و آکیلا در خانه اونسیفوروس بود، در کورینت ماند و من تروفیموس را بیمار در میلتوس رها کردم. این آخرین بخش است، آخرین سلام و احوالپرسی ها. تمام تلاشت را بکن تا قبل از زمستان به اینجا برسی.

درخواست دیگری برای آمدن تیموتی وجود دارد. یوبولوس به تو سلام می کند، و پودنس، لینوس، کلودیا و همه برادران و خواهران هم همین طور.

پس او هنوز از وجود این افراد آگاه است، حتی اگر هیچ کدام از آن ها از او دفاع نکرده باشند.

خداوند با روح تو باشد، این تو یگانه هستی. رحمت با همه شما باشد، این جمع است. و این تنها جمع در پایان دوم تیموتائوس ۴ است. می توانیم با مشاهده اینکه خدمت مؤثر به شبکه سازی معنادار وابسته است، نتیجه گیری کنیم.

فکر می کنم یکی از دلایلی که پل اینقدر مؤثر، مقاوم و پشتکار بود، این بود که در یک شبکه اجتماعی بود. او در ترس ها و نگرانی های خودش منزوی نشد. او با حس کار خدا در جهان به دنیا آمد، چون همه مردم خدا در زندان نبودند و همه به شیرها نمی رفتند.

او می دید که کار خدا ادامه خواهد داشت و این به او امید می داد. ثانیاً، پولس علاقه اش به دیگران را از دست نداد. یعنی، این مثل این است که عیسی روی صلیب مادرش را به یوحنا بسپارد یا برای کسانی که او را مصلوب می کردند دعا کند، پدر آن ها را ببخشد.

او احترام خود را به دیگران از دست نداد. او ایمانش را به آینده کار خدا از دست نداد. شما اعضای بدن مسیح هستید.

آن ها کار انجیل را که وزارت پولس به بنیان گذاری آن کمک کرده بود، پیش می برند. و حتی در برابر مرگ، ایمانش را به آنچه خدا در جهان انجام می دهد از دست نمی دهد. ثالثاً، خداوند و فیض او می توانند به تاریک ترین ساعت ها نور بیاورند.

خداوند با روح تو باشد. ممکن است افسرده باشد، مخصوصاً اگر این را دریافت کند و بخواند و بشنود که پل اعدام شده. نمی دانیم آیا او به موقع رسیده تا پل را نجات دهد یا نه و چه حس پوچی و چه پرتگاه غم و اندوهی ممکن است باشد اگر نتواند شنل را آنجا برساند یا اگر برسد و پل تازه اعدام شده باشد.

احتمالاتی وجود دارد که می توانیم تصور کنیم اما نمی توانیم رد کنیم و به همین دلیل پولس می گوید خداوند با روح تو باشد. هر اتفاقی ممکن است در آینده بیفتد، این در دستان خداست. دست های خوبی هستند، اما این به این معنا نیست که شرایط آسان خواهد بود.

پس، او همان حضور خداوند را که در حضور او شکوفا است، آرزو می کند. و سپس برای تمام فضای کلیسای تیموتی دعا می کند. فیض بر همه، تیموتائوس، که تو در بدن مسیح شریک هستی.

می توانیم دوم تیموتائوس را با نکات برجسته ای مانند این خلاصه کنیم و اول، فقط می توانیم به خود یادآوری کنیم که پولس زندانی شد و به او نسبت به تیموتائوس چه اتهامی زد. آنگاه می بینیم که آموزه هایی که او به طور صریح و پیوسته به آن ها می پردازد، پیش از هر چیز خداست. در نامه هیچ وحشتی نیست، هیچ خودمحوری غمگینی نیست.

او همچنان درباره خداوند، خدا، مسیح، عیسی مسیح صحبت می کند. و سپس کلماتی که مستقیماً به ارتباط با او مرتبط هستند مانند ایمان، کلام و حقیقت. تمام این کلمات نشان دهنده اعتماد به خدا و تعهد به کرامت و رضایت خدا در خدا و ستایش او هستند.

پس این یکی از نکات بزرگ دوم تیموتائوس است، درست مانند اول تیموتائوس، کفایت خدا و زیبایی خدا و کمال خدا و سخاوت او در گشودن خود به روی مخلوقاتش که در تاج آفرینش او قرار دارند و در جایگاه خود بسیار سرکش و سرکش هستند. اما این سرکشی با نجات دهنده ما جبران می شود و بنابراین در این جهان ارتباطی با خدا وجود دارد که فقط نویدبخش یک اجتماع باشکوه و کامل است که پیش روی ماست. در حالی که چیزهای زیادی درباره خدا می شنویم، درباره رنج در خدمت مسیح نیز زیاد می شنویم.

و هر فصل از دوم تیموتائوس به او اشاره می کند و او را تشویق می کند که برای رنج آماده باشد. و این یک دغدغه بیمارگونه نیست، یک پیش بینی بدبینانه نیست، آه، چیزی جز ناامیدی و تاریکی در پیش نیست. این نشانه ای از هزینه شاگردی است، به ویژه اگر در بسیاری از محیط ها معلم شبانی باشید.

بارها و بارها این را در ادبیات فعلی درباره آزار و اذیت می بینم. مسیحیان در چین مشکل ساز هستند. مسیحیان در حوزه های اسلامی مشکل ساز هستند.

مسیحیان در همه جا مشکل ساز هستند. چطور می توان مسیحیان را خاموش کرد؟ خب، نحوه سازماندهی آن ها، راهی که مسیحیان را سرکوب می کنند این است که به رهبرانشان حمله می کنید. و فقط یک نکته جانبی، و ممکن است با من موافق باشید یا نباشید، اما برای من این یکی از دلایل زیادی است که از نظر عملی، دوست ندارم زنان به مقام کشیشی ارتقا پیدا کنند.

چون با رشد کلیسا در مناطقی که مردم کلیسا را نمی خواهند وقتی سرکوب می شود، کلیسا را نمی خواهند، اولین کسانی که مورد خشونت قرار می گیرند رهبران خواهند بود. و صادقانه بگویم، من نمی خواهم خواهرانم در ایمان باشند، دخترانم را نمی خواهم، همسر من را نمی خواهم، او خیلی در خدمت مسیحی است، نمی خواهم کسی باشد که به زندان بیفتد و شکنجه شود. این برای هر کسی بد است، اما فکر می کنم بخشی از حمایت شبانی کلیسا این است که ما از زنان، کودکان، یتیمان و کسانی که کمتر قابل حمایت هستند محافظت می کنیم، و هیچ چیزی در کتاب مقدس نیست که ما را تشویق کند افرادی را که ممکن است توسط مقامات آسیب ببینند به آن مقامات بی دلیل افشا کنیم فقط به خاطر، خب، باید رنج بکشی تا مسیحی باشی.

وقتی عیسی دستگیر شد، گفت این مردم را رها کنید، من کسی هستم که دنبالش هستید، و به لطف خدا، این کار را کردند. عیسی منصوب نکرد، زنان زیادی به او کمک کردند، او زنان را ارتقا داد و پیش برد، اما آن ها را افرادی نساخت که در معرض اولین خط حمله کلیسا قرار بگیرند. و می توانیم درباره فرهنگ و چرایی این موضوع بحث کنیم و آیا امروز می توانیم این کار را انجام دهیم، و من فقط می گویم خدا را شکر که دیدگاهی وجود ندارد که اگر کلیسا مشکل است، اولین کاری که باید انجام دهیم کشتن همه مسیحیان است.

شاید این واکنش جمعی باشد، اما معمولاً راهبردهایی مثل هند یا نیجریه یا چین وجود دارد، راهبردهایی از سوی مقامات بالادست، چطور می توانیم مسیحیان را حذف کنیم؟ کشیشان به ویژه در این شرایط در معرض دستگیری، سرکوب و سرکوب قرار دارند و این بخش بزرگی از رشد اولیه کلیسا است و همچنان به دو جهت مسئله بزرگی باقی مانده است. اول اینکه، در سراسر جهان آزار و اذیت وجود دارد و کلیسا باید دائماً برای آن آماده شود. دوم اینکه، در بسیاری از نقاط جهان کلیسا تهدید بزرگی نیست که مقاومت ایجاد کند چون کلیسا با جهان تطابق دارد و مردم نمی خواهند بیشتر مسیحی باشند چون می فهمند اوه، این برایم هزینه دارد.

و خون شهدا در سراسر جهان امروز نشانه شرم بر بقیه کلیسایی است که تنبل و تنبل هستند و نمی خواهند خود را به خطر بیندازند چون می ترسند مجبور شوند هزینه ای پردازند. و برای خیلی ها، موضوع به این برمی گردد که حتی نمی خواهند به کلیسا پول بدهند، پول دارند، اما در خدمت کلیسا خسپس هستند. آن ها

می توانند بسیاری از رنج ها را در کلیسا و سایر نقاط جهان به روش های مختلف کاهش دهند، اما حتی این کار را هم نمی کنند چون پول تعطیلاتشان، پول قمار، پول نوشیدن و املاک و مستغلات شان را می خواهند.

آن ها نمی خواهند آن را در اختیار خدا قرار دهند. این نوعی فرار از رنج است. خدمت را انجام بده، پولس به تیموتائوس می گوید و پولس به همه ما می گوید، و اگر درد دارد، شاید نشانه ای باشد که داری کار درستی انجام می دهی.

تمرکز دیگر بر کتاب مقدس و کاربرد رسولی آن ها است. عیسی از کتاب مقدس تعلیم می داد، او کتاب مقدس را تجسم می کرد. نوشته های پولس مانند رومیان و غلاطیان به شدت بر کتاب مقدس تکیه دارند.

۲ تیموتائوس ۱۵:۳ و ۱۶ قداست کتاب مقدس، نزدیکی آن ها به خدا، ضرورت تجهیز قدیسان و سپس بسیاری از جملات دیگر مانند الگوی کلمات صحیح، کلام خدا مقید نیست، کلام حقیقت، کلام را موعظه می کنند. خدمت شبانی به درستی بر خدمت به کتاب مقدسی که روح القدس به مردم خدا و جهان داده است، متمرکز است و مردم خدا واسطه حقیقت و رستگاری کتاب مقدس به جهان هستند. و راستی، اگر این سخنرانی را تماشا می کنید، چون به دنبال دانش کلمه ای هستید که به شما کمک کند در خدمت به خدا رشد کنید و این چیز بزرگی است.

و این خود نشان می دهد که شما با روح رسول پولس هماهنگ هستید که ما را به تازگی و جهت گیری مداوم در کتاب مقدس تشویق می کند. و در نهایت فیض های معنوی. در سراسر رساله نکاتی درباره فواید شناخت خدا در مسیح دریافت می کنیم.

می دانی که این یک لطف معنوی است. بدون لطف خدا نمی توانیم خدا را بشناسیم. در این رساله، شکرگزاری برای خدا را می بینیم.

چطور می توانی وقتی در صف اعدام هستی به خاطر انجام اراده خدا شکرگزار باشی؟ خب، گریس. در مورد پول، حس میراث معنوی وجود دارد که قرن ها قدمت دارد. احساس بدهکاری نسبت به یکی از پدربزرگ هایم دارم.

پدربزرگی بسیار بی خدا داشتم که خیلی دوستش داشتم، و او ماهیگیری را به من یاد داد و مثل یک پدر برای من بود، اما مردی بی خدا بود. اما پدربزرگ بیچاره ام که کار می کرد، خودش را در مزرعه با اسب ها و خوک ها تا سر حد مرگ کار می کرد، او یک شماس باپتیست بود و تا کلاس هشتم رفت. این در مدرسه خیلی دور نیست.

او هرگز به جایی سفر نکرد، اما دعا کرد و با بازوی قدیمی آرتروز خود رهبری آواز در جماعتش را بر عهده گرفت و سرانجام موفق شد. او در کلیسای خود شماس بود و می دانم برای نوه هایش دعا می کرد و فکر می کنم از نظر انسانی یکی از دلایلی بود که خدا چشمانم را به گناه و نجات دهنده ام باز کرد. دلیلش این است که من میراثی داشتم، میراثی بسیار ضعیف که به نظر من این طور است، اما وقتی مردم به او در دعا پناه می برند، خدا کار زیادی نمی تواند انجام دهد، و او دعاهای پدربزرگم را برکت داد، و من بابت آن سپاسگزارم، و تیموتی می توانست بابت میراثش شکرگزار باشد، و پولس هم می توانست بابت میراثش شکرگزار باشد.

ما درباره فیض های معنوی صحبت می کنیم. محبت پولس به تیموتائوس، آن پیوندی که داشتند، یک فیض معنوی است. عشق در انجیل برای مردم، در دوستی هایی که عمیق و غنی اند چون ما به خداوند خدمت کرده ایم، و شاید کمی رنج کشیده ایم، هیچ چیز قابل مقایسه با عیسی، اما کمی برای انجیل رنج کشیده ایم.

این پیوندهای انسانی را عمیق تر و شیرین تر می کند. ایمان و محبتی که در مسیح عیسی است، وجود دارد. درکی که خداوند می دهد.

خداوند به تو درک و همه چیز را خواهد داد. آیا عالی نیست وقتی دیدگاهی پیدا می کنیم که دل مان را آرام می کند؟ در خدمت وفادارانه، اطمینان از تأیید الهی وجود دارد. آزادی برای فرار از شور و شوق های جوانی وجود دارد.

گاهی مردم را به زنجیر می کشند، اما پولس به تیموتائوس می گوید فرار کن چون می تواند. این یک فیض معنوی است، و سپس او فیض دارد تا به دنبال عدالت، ایمان، محبت، شalom یا صلح با کسانی که از قلب پاک خداوند را می خوانند، دنبال کند. اگر فقط از زبان کلیسا عبور کنید، به نظر می رسد زبان کلیسایی باشد، اما زبان کلیسا نیست.

این نشانه ای عمیق و تأثیرگذار از کار فیض خدا در زندگی این جوان است. سپس تاج عدالت است، و مکاشفه تصویری باشکوه از قدیسان دور تخت خدا دارد، و ما درباره آن در سرودی می خوانیم، و آن سرود مقدس است، مقدس، مقدس، و در یکی از آیه ها می گوید، تاج های طلایی خود را دور می اندازند، تاج طلایی را دور همان دریا می اندازند، دریای کریستال، همین. تاج های طلایی شان را دور دریای کریستالی انداختند.

تاج عدالت در نهایت برای جلال ما نیست، بلکه جایزه ای است، اما هر جایزه ای که از طریق مسیح دریافت می کنیم وقتی در برابر خدا می ایستیم، آن را به خدا تقدیم می کنیم و بخشی از جلال ابدی ما خواهد بود این است که بتوانیم در برتری، زیبایی و کمال خدا شادی کنیم، که بسیار فراتر از تجربه انسانی ما در تصور این است که ابدیت برای تمام کردن کامل آن کافی نخواهد بود. پس می توانیم در پایان بگوییم که تیموتائوس دوم، درست انجام دهید، آنچه هست را می بینیم، مشاهده می کنیم، و سپس از آن استخراج می کنیم، وفادار به آنچه هست و آنچه اکنون می توانیم از آن استخراج کنیم، تیموتائوس دوم در میان شیرین ترین شهادت های کتاب مقدس درباره وعده زندگی که در مسیح عیسی اکنون و در زمان آینده است، قرار دارد. از وقتی که در این سخنرانی با ما در تیموتائوس دوم گذاشتید سپاسگزاریم.

و در سخنرانی بعدی منتظر کتاب تیتوس خواهیم بود.

این دکتر رابرت دبلیو. یاربرو است در درس خود درباره نامه های شبان، آموزش رسولی برای رهبران شبانی و پیروانشان، جلسه ۱۱، ۲ تیموتائوس ۴.